

نقد برنامه گوتا^(۱)

پیشگفتار فردریک انگلس^(۲)

این رساله، که حاوی نقد طرح برنامه (گوتا) همراه با نامه ی (مارکس) به براك^{*} است، اول بار در سال ۱۸۷۵، یعنی اندکی قبل از آغاز کنگره وحدت گوتا^(۳) به براك فرستاده شد تا او متن نقد را به گیب، آور، بیل و لیبکنشت^{**} نشان دهد و آنگاه آن را برای مارکس باز فرستد. از آنجا که مباحثات کنگره ی حزبی "هال"^(۴) بار دیگر بحث در باره ی برنامه گوتا را در دستور روز قرار داده، به نظر می رسد که خودداری از

* - براك (۱۸۸۰-۱۸۴۰) یکی از بنیانگذاران حزب سوسیال دمکرات کارگران آلمان و از همگاران نزدیک مارکس و انگلس بود - م. Bracke
** - گیب (۱۸۷۹-۱۸۴۲) کتاب فروش و یکی از بنیانگذاران حزب سوسیال دمکرات کارگران آلمان و مدتی خزانه دار حزب بود و یک بار هم به نمایندگی رایشتاک (پارلمان) انتخاب شد. م. Geib

- آور (۱۹۰۷-۱۸۴۶) از رهبران حزب سوسیال دمکرات آلمان و چندین بار نماینده رایشتاک بود در اواخر دوره فعالیت اش نظرات اصلاح طلبان را پذیرفت. م. Auer
- بیل (۱۹۱۳-۱۸۴۰) یکی از چهره های سرشناس نهضت کارگری آلمان بود که با مارکس و انگلس همکاری نزدیک داشت و عضو انترناسیونال اول و دوم بود. M. Bebel

- لیبکنشت (۱۹۰۰-۱۸۲۶) یکی از چهره های سرشناس نهضت کارگری آلمان و از بنیانگذاران حزب سوسیال دمکرات آلمان بود و از یاران نزدیک مارکس و انگلس به شمار می رفت. م. Liebknecht

انتشار این سند مهم – و شاید حتی مهمترین سند مربوط به این مباحثات- گناهی از طرف من خواهد بود.

البته اهمیت این سند ابعاد به مراتب گسترده تری را نیز دربر می گیرد. در اینجا، نقطه نظرهای مارکس در مورد خط مشی ای که لاسال از آغاز فعالیت خود پیش گرفت و نیز اصول اقتصادی و سرشت تاکتیک های او برای نخستین بار مدون و مطرح شده اند.

در تشریح برنامه، جدیتی جسورانه و در طرد و افشای نقایص حاصل از (اجرای) آن و نیز کمبودهای خود طرح، دقتی بی امان بکار رفته، که امروزه بعد از پانزده سال، نمی تواند چندان توهین آمیز باشد. بی شک بقایای منزوی لاسالی ها هنوز گهگاه در خارج از کشور یافت می شوند، ولی در کنگره ی "هال"، حتی خود طراحان برنامه ی گوتا نیز این برنامه را، به عنوان طرحی کاملاً نارسا، به دور انداختند.

معهدا، معدود اشارات شخصی تندی را که اهمیت خود را از دست داده اند، حذف کرده ام و چند نقطه بجای آن گذاشته ام. اگر خود مارکس هم امروزه اقدام به انتشار این سند می کرد، قاعدتاً همین تغییرات را انجام می داد. لحن خشن قسمت هائی از نوشته ما، مولود دو علت بود: یکی اینکه، پیوند من و مارکس با نهضت آلمان عمیق تر از هر نهضت دیگری بود و ناچار عقب نشینی مسلمی که در این برنامه مشهود بود ما را مخصوصاً ناراحت و نگران می ساخت؛ و دیگر اینکه در آن زمان تنها دو سال از کنفرانس انترناسیونال^(۵) که در هاگ (Hague) تشکیل شده بود می گذشت، کنفرانسی که در آن با وحشیانه ترین حملات باکونین و آنارشویست های هم مسلکش روبرو شده و مسئول یک یک رویدادهای نهضت آلمان قلمداد گشته بودیم و می دانستیم که به این ترتیب بالاخره اتهام پیوندی پنهانی با این برنامه نیز بر ما زده خواهد شد. از آنجا که این ملاحظات امروزه مطرح نیست، وجود آن سطور ضروری نخواهد بود.

چند سطری نیز به لحاظ قانون مطبوعات حذف شده و چند نقطه به جای آن نشسته است. هرگاه جبراً واژه های ملایم تری بجای واژه های اصلی نشانده ام، آنها را در میان گروه قرار داده و مشخص ساخته ام. بجز این تغییرات، متن فعلی دقیقاً منطبق با متن اصلی است.

لندن، ششم ژانویه ۱۸۹۱